

سند از: محمدشاه قاجار
به: صید سعیدخان، امام مسقط
موروخ: احتمالاً ۱۲۵۰-۱۲۶۴ق / ۱۸۳۴-۱۸۴۸م

فرمان همایون که در جواب عریضه عالیجاه صید سعیدخان، امام مسقط، شرف اصدار یافت.

عالیجاه معلى جایگاه، امارت و ایالت و جلالت دستگاه، صداقت و عقیدت و ارادت آگاه، امیر الامراء العظام، عمده الولاه الفخام، صید سعیدخان، امام مسقط، ساحت احوال خود را مسقط انوار عنایات پادشاهی و مهبط اضواه عواطف نامتناهی دانسته بداند که عریضه عقیدت عنوان ارادت ترجمان آن عالیجاه، مصحوب عالیجنابان عمدتی المشایخ و المعارف، صاحب العز و المناقب، شیخ علی بن الفاضل و شیخ علی واصل انجمن مهر مماثل و مضامین صداقت قرینش از فاتحه افتتاح تا خاتمه اختتام به توسط اولیای دولت ابدی فراموش معروض رأی مرحمت شامل آمد. حقیقت محاسن اخلاص و حسن کمال اختصاص و تمسک آن عالیجاه بدین خدمتکاری و انقطاع رشتہ مراودت و موافقت موالیان دولت ابد مدّت شهریاری کماهی معلوم و موجب مزید حصول وثوق و اعتماد خاطر مرحمت ملزم گردید.

در باب اقدامات خود به انتظام و رفع غوایل حدود و نغور به تخصیص امر بحرین و تأديب معادیان دین بی‌ریب [۱] نگاشته و هم به واسطه تقریر مشارالیهما معروض داشته بود. مراتب قدمت خدمت و خلوص عقیدت آن عالیجاه و موافقت او درین دولت جاوید آیت، ظاهر و معلوم رأی جهان آرا هست که همیشه در طریق خدمتکاری ثابت‌قدم و در دعوی خلوص نیت و صدق عقیدت راسخ دم بوده‌اند و اولم علیه را در هر باب به سمع اطاعت اصغا نموده و سراپای شاهد این دعاوی از شاییه هر گونه ریب و شبیه بری است و محتاج به زیور هیچ‌گونه برهان و دلیلی نیست و از اینکه اهالی آنجا از خلص مؤمنین و دعاگویان دولت ابد قرین می‌باشند همواره حمایت و اعانت آنها منظور نظر و استخلاص و استرداد ولایات مخصوصه ایشان مکنون خاطر انور بوده و بعون الله تعالى و حسن تأییده برای اولیای دولت قاهره، اسباب آن از هر باب مهیا و ممهد

فوانی این که در جمیع سرای خاپ بیهی خان اه مسقطر شرف اصله‌ای
لایس کیا، رستم از میان این سرای خانی می‌باشد تا در آنکه اولین هم‌دان اولین
صید سعیدخان امام سلطنت احوال خود را سلطنت ایارخیت پا داشته و معرفت اخراج بدهیش
بر عرضی خود گشته باشد که این روحانی مهربان معمین صدقه قریش از نهاده قهقهه خانه هم‌دان
بجزء ایارخیت برقیم مهربانی را در کش ایارخیت مسیح خانی خوشحال خواهی کرد که این روحانی
خدشکه و انقطع شمشیره ایارخیت و موثق بایخ موالیان دولت ابد مدّت شیخ‌که مسدره میر
حصار خوشی و ایارخیت مهربان کرد و باید اهل ایارخیت خوشی مدنی غذاده و میر باید
بکنیزه و ایس خادیان دن بدر پس می‌کشند و مهربان ایارخیت ایارخیت باید بزرگ شود
خود و خوشیت آنکه و مهربان ایارخیت خوشی مهربان ایارخیت مهربان ایارخیت
مشهداً بایس قدم و در عرضی خوشیت و مهد و عیش ایارخیت ایارخیت ایارخیت ایارخیت
وسایل پر ایارخیت دعا ایارخیت پر که پر شیخ‌بزرگ خوشی مهربان دن باید و لایه ایارخیت
از عرضی خوشی دعا کیان دن باید باید و مهربان ایارخیت مهربان ایارخیت ایارخیت ایارخیت
مشهداً بایس که ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی دن باید ایارخیت ایارخیت
و پس نهض و تصریح و عدّت قلع و قلع ایارخیت خوشی و مهربان ایارخیت خوشی
بسازت آنکه ایارخیت خوشی ایارخیت مهربان ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت
و احوال ایارخیت خوشی دن باید ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت
شمس سرخ و دنم سرخ پر بشیش غیر ایارخیت خوشی و مهربان ایارخیت خوشی
ادن ایارخیت خوشی دن باید که ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی
شیخ‌بزرگ خوشی دن باید ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی
بیدینه دن دن باید و مهربان ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی
باین باید و مهربان ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی
عزم عالمی دن دن باید که ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی
و پکی در ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی
مدد و مهربان ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی
ایس ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی
و فریان علی خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی
مدد ایارخیت خوشی ایارخیت ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی
مکنی باید و مهربان ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی
بلکه باید و مهربان ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی
لزمه خاصه ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی ایارخیت خوشی

باید آن عالیجاه همه‌اهمیت را به اعانت و حمایت پادشاهی مستتمال و مستظره و در انتظام امور سرحدات و تسدید مسالک و معابر از عبور و مرور مخالفین و تمهید مصالح استیصال مفسدین ساعی و جاهد داشته مترصد وصول لشکر باشند و یقین داند که به عنون عنایت باری و نیروی همت بلند شهریاری مسئولات آن عالیجاه جمله به عزّ انجاح مقرون و مهمات منظوره قرین کمال انتظام خواهد بود و آنچه منظور اوست از تدمیر معاندین بدنهاد و استخلاص محال و بلاد و غیره مواد بر حسب استدعای آن عالیجاه بر وجهی احسن صورت تیسیر خواهد یافت.

تحریر^۱ فی شهر سنة [۱].

است و به هیچوجه نقص و قصوری در معدات قلع و قمع مخالفین حاصل نیست و مدتی است ارسال عساکر منصور و ابعاث جیوش نامحصور به معاونت آن عالیجاه و استخلاص بلاد مذبور و انجام مهام منظور، منظور اولیای دولت ابد دستور هست.

مشايخ مشارالیه‌ها که وارد و حقیقت اوضاع و احوال را علی التفصیل معرض داشتند و رأی عالم آرا را بر خفایای اوضاع، استحضار حاصل آمده معلوم شد که هنگام اجرای این عزم و گاه تأکید متمم‌ات حرب و رزم است، عالیجتاب شیخ علی بن الفاضل را در تعجیل احتشاد عساکر و ابطال و تشحید معدات جنگ و قتال در همین اوقات اصرار و اجهاد به غایت کمال بود از اینکه منظور انتظار مهر اشتهر این است که جمعیتی که مأمور می‌شود بعون الله به حیثیتی باشد که از عهده انجام جمله مهام آن حدود و قلع ماده فساد ایل عتب و سایر معاندین به کلی برآمده مهمی از مهمات منظوره موقوف به وقتی دیگر و احتشادی جدید نماند و این معنی موقوف به جمع آوری عساکر از اطراف ممالک و تهیه اسبابی شایسته می‌باشد و معلوم است یک چند طول خواهد داشت. بدین موجبات مصلحت چنان نمود که مشارالیه‌ها مراجعت و معتمدی نیز از دربار شهریاری مصحوب آنها مأمور آید تا مکنونات خاطر اقدس و تصمیمات عزایم ما را به آن عالیجاه و دیگر خدمتکاران بلکه عموم سکان آن سامان، حالی و آنها را به شمول مراحم شاهانه مستظر و مطمئن داشته سرگرم کار و مهیا [ای] انتقام و پیکار دارد تا علی‌التعاقب عساکر منصوريه واصل و وارد گردند و لهذا عالیجاه فلان را از رکاب همایون به اتفاق مشارالیه‌ها مأمور و مراتب التفات خدیوانه را در حمایت و اعانت اهالی آن حدود القا فرموده‌ایم که حالی هر یک از دولتخواهان آنجا نمایند و عالیجاه امیر الامراء العظام محمدعلی خان قاجار را که از اعیان امرا و در معارک محارب و مجادلت متخبر و معتمد نواب همایون ماست به سرداری سپاه منصور، مأمور و فرامین مطاعه به تجهیز جنود از هر حدود به عزّ صدور پیوسته که در وصول فصل بهار که موسم کار پیکار است روانه و حسب‌الامر به انجام خدمات مأموره اقدام نماید.